

فیلم فرمان آرا به سینماها می آید



پوستر فیلم سینمایی «دلَم می خواد» به کارگردانی بهمن فرمان آرا که از امروز در گروه سینمایی پردیس زندگی روی پرده می رود، رونمایی شد. امین شفیع طراحی پوستر فیلم ویلیامز بخش «دلَم می خواد» را بر عهده دارد. رضا کیانیان، مهناز افشار، محمدرضا گلزار، سحر دولتشاهی، رویا نونهالی، صابر ابر و بهناز جعفری بازیگران این فیلم هستند. سایر عوامل فیلم عبارتند از نویسنده: امید سهرابی، مدیر فیلمبرداری: داوود امیری، تدوین: عباس گنجوی، آهنگساز: کارن هابیانوف، طراح صحنه و لباس: کیوان مقدم، طراح گریم: مهرداد میرکیانی، دستیار اول کارگردان و برنامه ریز: علیرضا شمس شریفی، مشاور رسانه‌ای: امیرحسین رسالت، تهیه کننده: علی تقی پور.

برنامه ارکسترهای ایران در جام جهانی

ایسنا - مجموعه منتخب ارکستر سمفونیک تهران و ارکستر ملی ایران به رهبری شهرداد روحانی و فریدون شهپازیان ۲۳ خرداد ماه برای اجرای خود همزمان با جام جهانی ۲۰۱۸ روسیه، به این کشور سفر خواهند کرد. در جزئیات نامه کنسرت‌های منتخب ارکستر سمفونیک تهران و ارکستر ملی ایران در روسیه آمده است که اولین اجرا روز پنجشنبه (۲۴ خرداد) ساعت ۲۰ در سالن «Academy philharmonic» سن پترزبورگ به روی صحنه می‌رود. دومین قطعه روز یکشنبه (۲۷ خرداد) ساعت ۱۹ در سالن «tchaikovsky moscow state» شهر مسکو اجرا خواهد شد. سومین اجرا ۲۹ خرداد روز سه شنبه ساعت ۱۹ در سالن «salix saydas great hall» شهر کاران خواهد بود.

جولیا رابرتز تهیه کننده آمازون می شود

مهر - جولیا رابرتز برای تهیه کنندگی یک درام بلند بر مبنای رمانی از کریس کلیو با عنوان «زنپور کوچک» برای آمازون استودیوز اعلام آمادگی کرد. وی بازیگر این فیلم نیز خواهد بود.

کاتالین رابرتسون بازیگر - نویسنده، فیلمنامه اقتباسی این فیلم را بر مبنای رمانی که سال ۲۰۰۸ با عنوان «دست دیگر» منتشر شد، نوشته است. این رمان درباره یک پناهجوی جوان نیجریایی به نام زنپور کوچک و رابطه وی با سارا اورورک سردبیر یک مجله انگلیسی است. نقش این سردبیر را رابرتز ایفا می‌کند. این دو با هم در یک درگیری در دلتای نیجرا آشنا می‌شوند و چند سال بعد دوباره در انگلستان همدیگر را می‌بینند.

رابرتز این فیلم را در کمپانی خودش می‌سازد. سال ۲۰۰۹ گفته شده بود نیکول کیممن برای ایفای نقش اصلی این فیلم و تهیه آن برای بی بی سی فیلمز انتخاب شده است اما آن پروژه هرگز به انجام نرسید. جولیا رابرتز اخیراً در درامی با عنوان «شفقت» ظاهر شد و به زودی با درامی مستقل ساخته پیترو هرجز با عنوان «بن برگشته است» روی پرده سینماها می‌رود.

هرجز برای فیلم‌های متقاضیان حضور در جشنواره نمایش عروسکی پیرواعلام پیشین دبیر هفدهمین جشنواره بین‌المللی نمایش عروسکی تهران مبارک که علاوه بر آثار متقاضی شرکت کننده در بخش صحنه‌ای که طرح‌های اجرایی و نمایشنامه‌های خود را بر اساس فراخوان به جشنواره ارسال کرده و مراحل ارزیابی را گذرانده‌اند، گروهایی که نمایش‌هایشان آماده اجرائست، می‌توانند تا پایان خردادماه برای شرکت در جشنواره اقدام کنند.

بر اساس تصمیم ستاد جشنواره نمایش عروسکی تهران مبارک که گروهایی که تمایل دارند از این فرصت استفاده کنند، می‌توانند تا روز ۳۱ خرداد ماه فیلم کامل نمایش‌های خود را در قالب DVD به دبیرخانه جشنواره به نشانی خیابان انقلاب، بعداز پارک دانشجو، خیابان رازی، کوچه مهید، پلاک ۱۰ ارائه دهند.

ارسال آثار می‌تواند به صورت حضوری یا از طریق پستی انجام شود اما لازم است فیلم اجرایی کامل نمایش‌ها ارائه شود. این امکان ویژه نمایش‌های متقاضیان جشنواره است.

به زودی جدول زمان‌بندی مرحله ارزیابی (بازیابی) نهایی نمایش‌های متقاضی شرکت در جشنواره اعلام خواهد شد. هفدهمین جشنواره بین‌المللی نمایش عروسکی تهران مبارک با دبیری مرضیه برومند یکم تا هفتم شهریورماه در تهران برگزار می‌شود.

داستانک‌های خولیبو کور تاسار در یک کتاب

کتاب «بی‌اهمیت‌ها و بااهمیت‌ها» داستانک‌ها و گزین گوئی‌هایی از خولیبو کور تاسار است. این کتاب شامل داستانک‌ها و گزین گوئی‌هایی از خولیبو کور تاسار به انتخاب و فارسی پژمان طهرانیان به همراه گولازی از گفت‌گوها به انتخاب و ترجمه نوشین جعفری در ۸۸ صفحه با شمارگان ۱۰۰۰ نسخه و قیمت ۱۲ هزار تومان در نشر اتفاق راهی بازار شده است. بخش اول کتاب با عنوان «بی‌اهمیت‌ها» شامل داستانک‌های در دفتر کار، ورود دو چرخه ممنوع، امکانات انتزاع، یک داستان خیلی واقعی، درونمای‌های برای طرح یک قالی، ویژگی‌های یک صندلی راحت، زندانی، خطابه خرس، توصیف کالسواروری و خطوط کف دست است. بخش دوم نیز با عنوان «بااهمیت‌ها» شامل گزین گوئی‌ها و گولازی از گفت‌گوهاست.

در مقدمه کتاب درباره خولیبو کور تاساری می‌خوانیم: او در ۱۹۱۴ در بروکسل، پایتخت بلژیک، از پدر و مادری آرژانتینی به دنیا آمد. پس از اتمام تحصیلاتش در دانشگاه، در سال ۱۹۳۸ کتابی شامل غزل‌هایش را با نام مستعار به چاپ رساند که بعدها از آن با تحقیر یاد می‌کند. در سال ۱۹۴۴ استاد ادبیات فرانسه شد و در سال ۱۹۴۹ نمایشنامه «شاهان» را بر اساس داستان‌های اساطیری نوشت. در سال ۱۹۵۱ در پی ضدیت با حکومت خوان پرون در آرژانتین، به فرانسه مهاجرت کرد و تا پایان عمر در آنجا ماند. از سال ۱۹۵۲ مترجم سازمان یونسکو شد و از ترجمه‌های مهمش برگردان «رابینسون کروزو» و داستان‌های ادگار آلن پو به اسپانیایی بود. او حدود ۳۰ کتاب در کارنامه‌اش دارد که بیشترشان به زبان‌های مهم دنیا ترجمه شده‌اند.

در ایران به واسطه ترجمه برخی از داستان‌های کوتاهش از جمله گزیده‌داستان‌هایش در کتاب «دروازه بهشت» با ترجمه بهمن شاکری و مجموعه سه‌جلدی «قصه‌های قروقاطی» و چند رمان مهمش از جمله «امتحان نهایی» و «لی‌لی بازی» و همچنین فیلم آگراندیسمان - که میکمل آنجلو آنتونونی، آن را بر اساس داستان کوتاه «تف شیطان» او ساخته است - نویسنده شناخته‌شده‌ای است. همچنین نسخه صوتی این کتاب با صدای مسعود شهریاری و خشایار فهمی منتشر شده است.

با حضور نماینده سازمان ملل برگزار می‌شود

عکاسی جنگ، برای صلح

نخستین دوره از سلسه همایش‌های هنر برای صلح با موضوع «عکاسی جنگ، برای صلح» با حضور نماینده سازمان ملل متحد و مسوولان سفارت هلند برگزار می‌شود. این همایش در راستای مسوولیت اجتماعی، واکوی مساله جنگ و پیامدهای آن بر جامعه بحران‌زده امروز بشری و مساله صلح پایدار با همکاری موزه صلح تهران،

مسوولان وزارت ارشاد بارها گفته‌اند باید از نویسندگان ایرانی حمایت کرد. مسوولان رده بالای مملکتی هر بار جلوی دوربین قرار گرفتند مردم را تشویق به خواندن کتاب کردند. همیشه آمارهای ضعیف ایران در سرانه مطالعه باعث شرمساری بوده و ناشران و نویسندگان را ناامید کرده است.

اولین اردیبهشت هر سال و هنگامه برگزاری نمایشگاه کتاب صف مسوولان دولتی و مدیران شهری و رسانه‌های دولتی مردم را تشویق به خرید کتاب می‌کنند اما آیا واقعاً این حمایت از نویسنده ایرانی رنگ واقعیت به خود گرفته است؟ اگر اینطور است چرا هیچگاه آثار برتر ادبی ما بین توده مردم خریدار نداشته است؟ چرا تیراژ کتاب‌های ایرانی به پانصد نسخه رسیده و همان هم فروش نمی‌رود؟ چرا مخاطب ایرانی اعتمادش را به نویسنده وطنی از دست داده و دهها سوال دیگر.

رویکرد دولت و مسوولان نسبت به نویسنده و ادبیات ایران همیشه محافظه‌کارانه بوده است. در آخرین اقدام برنامه تلویزیونی «من نویسنده‌ام» که قرار بود در شب‌های ماه مبارک رمضان از شبکه چهار سیما پخش شود، تنها پس از چهار شب بدون هیچ دلیلی متوقف شد. برنامه‌ای که در چارچوب‌های صداوسیما ساخته و پرداخته شده بود و با ستادارهای جامعه ادبی فرستگها فاصله داشت.

در همین رابطه فرشته احمدی، نویسنده مجموعه داستان «گرمازه» در گفت‌وگویی با ایلنا در رابطه با چگونگی حمایت دولت از نویسندگان ایرانی گفته است: «حمایت از تولید ایرانی، داستان ایرانی و کتاب ایرانی و در کل خلاقیت‌هایی که در کشورمان وجود دارد و خیلی وقت‌ها به دیوار می‌خورد و نتایج‌بخش نیست و کسی به آن توجه نمی‌کند، قطعاً می‌تواند و باید از طرق مختلفی اجرا شود. مهم‌تر از مسایلی مثل تخصصی پارانشه - حمایت‌های زیربنایی تری لازم است که نه هیچ‌گاه دیدیم‌شان و نه امیدی به تحقق آنها هست کم در مدتی نزدیک داریم. مثلاً تلویزیون به هیچ‌وجه راضی نمی‌شود که برنامه‌ای را به کتاب ایرانی اختصاص دهد که از وزارت ارشاد مجوز گرفته و همین‌جا منتشر شده است و در مغازه‌ها به فروش می‌رسد. تلویزیون هیچ‌وقت حاضر نیست درباره هیچ کتاب ایرانی حرف زده شود. برنامه «من یک نویسنده‌ام» هم فقط سه قسمت پخش شد و بعد دست‌مطیل شد در همین سه برنامه هم شاهد مخالفت‌کارترین نوع پرداخت به نویسنده و کتاب ایرانی بودیم و محتوای برنامه تنها به معرفی نام نویسنده و اینکه چه آثاری منتشر کرده خلاصه شده بود. چرا چنین برنامه‌ای باید تعطیل شود؟»

حمایتی از سینما و ادبیات مستقل نداریم این نویسنده سبب مشخص درباره حمایت‌های یارانه‌ای در قالب طرح‌هایی مثل عیدانه و تابستانه کتاب بیان کرد: «تخصصی یارانه و حمایت ویژه در طرح‌هایی مثل عیدانه کتاب و تابستانه کتاب و قاعداً مردم‌پژهایی هستند که انجام‌شدنشان بهتر است ولی انجام‌شدنشان هم آنچنان تقابلی ایجاد نمی‌کند. آن هم در مقابل جامع‌ای که به شکل زیربنایی با داستان‌نویسی و ادبیات ایرانی چندان همراز نشده است. همراهی اصولی و واقعی و زیربنایی نداریم؛ در حالی که در تمام دنیا ادبیات مستقل و سینمایی مستقل به شکلی حمایت می‌کنند که زبیر لیلی و پر آن را بگیرند و کمک کنند که در دنیا خودش را معرفی کند. ما چنین حمایتی را نداریم و دل‌پیش می‌برای من مشخص نیست. آیا واقعاً قضاوت‌پرانی و داستان‌نویسی و تحلیل‌گرزین و بررسی‌نگاه کلماتی که در جهان وجود دارد و کمی نگاه به دنیا و انسان بدون پیش‌فرض تا این حد جای نگرانی دارد. کاری که ادبیات انجام می‌دهد همین است یعنی تلاش می‌کند بدون پیش‌فرض و پیش‌فرض به انسان و جهان نگاه کند ولی همیشه اینجا به خود ادبیات با پیش‌فرض نگاه می‌شود که می‌تواند خطر آفرین شود و آدم‌ها با آن آشنا شوند.»

موسسه فرهنگی هنری هنرهای آبان و نمایندگی سازمان ملل متحد در ایران برگزار می‌شود. سه نشست تخصصی درباره عکاسی جنگ با موضوعاتی مثل چگونگی بازتولید گفتمان صلح در عکاسی جنگ و با حضور کارشناسان، صاحب‌نظران و عکاسان در این همایش یک‌روزه جا گرفته است. نخستین نشست این همایش با عنوان «چگونگی نقش عکاسی جنگ در گفتمان صلح» با حضور سیامک حاجی محمد، زانیا بلوری و صیاد نبوی برگزار می‌شود. در نشست دوم «عکاسی جنگ و تاثیرات آن در روند



جنگ، دست‌یابی به صلح» با حضور سعید صادقی و مجید دوخته‌چی زاده مورد بررسی قرار می‌گیرد. در نشست سوم این همایش نیز فیلم مستند «عکاس جنگی» درباره جیمز نجوی با حضور مجید باقرزاده و محمدحسین میربابا بررسی می‌شود. برگزاری نمایشگاه عکس از بخش‌های جنوبی این همایش یک روزه است. این برنامه امروز ساعت ۱۴ در موزه صلح تهران واقع در خیابان وحدت اسلامی، ضلع شمالی پارک شهر برگزار می‌شود و حضور در آن برای تمامی علاقه‌مندان آزاد است.

فرشته احمدی از دغدغه نویسنده‌های نسل تازه می‌گوید؛

به دنیا پشت کرده‌ایم



جهان صادر شود. به نظر می‌رسد تا امروز که حمایت‌ها همیشه جهات ربه‌وسمت معینی بوده است. بهترین حمایت دولت این است که حمایتی نکند ولی سنگی هم جلوی پای آدم‌های مستقل انداخته نشود. **موفق حضور در برنامه «من نویسنده‌ام» نبودم**

احمدی، گریزی دوباره به تعطیلی برنامه تلویزیونی «من یک نویسنده‌ام» زد و یادآور شد: «مثال واضح این ماجرا هم همین برنامه تلویزیونی «من یک نویسنده‌ام» است که به قسمت چهارم نرسید. من خودم هم میان این‌سی‌دونویسنده‌ای که قرار بود در این برنامه حضور داشته باشند و در شب‌های ماه رمضان پخش شود بودم. خیلی هم موافق حضور در صداوسیما نبودم ولی خب فکر کردم این همه سال آدم‌های مستقل با صداوسیما قهر کردند و حرف نزدند و الان فرصتی است که بگویم این همه آدم وجود دارند و در عرصه ادبیات فعال هستند و یک بار چهره و صدایشان شنیده و دیده شود. واقعاً خشن‌ترین نوع برنامه ادبی بود این است که می‌شد تهیه کرد ولی همان هم تحمل نشد. این کتاب می‌دهد که در مورد مفهوم حمایت دچار سوءتفاهم هستیم. حمایت با شرط و شروط و مواردی که احتمالاً تحملش برای آدم‌های مستقل ممکن نیست، حمایت نیست.»

خالق داستان «جنگل پتیر» درباره این نقد که برخی می‌گویند نویسنده ایرانی هنوز نتوانسته به جامعه جهانی ادبیات ملحق شود و همچنان بومی می‌نویسد؛ گفت: «دلیل این امر آن است که ارتباط دوطرفه ما و جهان محدود است. مساله این نیست که آنها ادبیات ما را نمی‌فهمند اصلاً اگر از یک خارجی سوال کنیم که در ایران شهر دیگری غیر از تهران و اصفهان و شیراز را نام ببرد بعید می‌دلم جواب بدهد. ممکن است حتی نتوانند میان ما و عراق تفکیک قائل شوند یعنی ما در معرفی خود به دنیا حتی از منظر جغرافیای انان بوده‌ایم. حتی فرهیختگان دیگر کشورها تصویر درستی از اینکه ایران کجای جهان است ندارند و تنها تصورشان از ما به واسطه اخبار سیاسی و اتصال‌مان به منطقه آشوب‌زده و پرخطر خاورمیانه است. یعنی ما در دنیا تنها با چند کلمه کلیدی شناخته می‌شویم که شاید ما را از سواریه و عراق و افغانستان چندان هم قابل تفکیک نمی‌کنند. این موارد است که نشان می‌دهد یک ملت را چگونه و

به نظر می‌رسد تا امروز که حمایت‌ها همیشه جهتدار و به سمت معینی بوده است. بهترین حمایت دولت این است که حمایتی نکند ولی سنگی هم جلوی پای آدم‌های مستقل انداخته نشود

حمایت نهاد دولتی یعنی خداحافظی با استقلال

خالق مجموعه داستان «گرمازگی و داستان‌های دیگر» همچنین در ارزیابی‌اش از طرح وزارت ارشاد برای اعطای شناسه به انجمن‌های ادبی گفت: «بستگی دارد که هدف واقعیت این است کسانی که این حرف را می‌زنند نه با کار ترجمه آشنا هستند و نه با ادبیات و داستان ایرانی. چنین اظهارنظری یک اظهار نظر محافظه‌کارانه است که گوینده با بیان آن فکر می‌کند خودش را خیلی فرهیخته نشان داده است که بله ما همه را می‌شناسیم و هیچ‌کدام از کارهایشان را قابل خواندن نمی‌دانیم. کسی که داستان را می‌خواند و با دقت هم می‌خواند حتماً منصفانه نظر می‌دهد و می‌تواند در میان این حجم وسیع آثاری که در این یکی دو دهه منتشر شده؛ اثر خوب و خیلی خوبی را هم مثال بزند. تعداد افراد کمی در جامعه ما با شناخت از این مسایل حرف می‌زنند. کلمه کلیدی این ماجرا هم دوباره همان پیش‌فرض‌ها و پیش‌فرض‌هایست یعنی قضاوت‌اینکه این ادبیات خواندن ندارد و این پیش‌فرض که مشخص است که داستان خارجی بهتر است. البته این پیش‌فرض که مشخص است از خود ما می‌آید و ما را با دنیا و انسان بدون قصدی برای تخصصی جایگاه به نگاه مستقل در این جامعه وجود ندارد. در حالی که برای نزدیک شدن به اخلاق انسانی و نگاه انسانی به جهان و به همدیگر لازم است که این نگاه مستقل تبلیغ شود و آدم‌ها با آن آشنا شوند.»

حمایت نهاد دولتی یعنی خداحافظی با استقلال

خالق مجموعه داستان «گرمازگی و داستان‌های دیگر» همچنین در ارزیابی‌اش از طرح وزارت ارشاد برای اعطای شناسه به انجمن‌های ادبی گفت: «بستگی دارد که هدف واقعیت این است کسانی که این حرف را می‌زنند نه با کار ترجمه آشنا هستند و نه با ادبیات و داستان ایرانی. چنین اظهارنظری یک اظهار نظر محافظه‌کارانه است که گوینده با بیان آن فکر می‌کند خودش را خیلی فرهیخته نشان داده است که بله ما همه را می‌شناسیم و هیچ‌کدام از کارهایشان را قابل خواندن نمی‌دانیم. کسی که داستان را می‌خواند و با دقت هم می‌خواند حتماً منصفانه نظر می‌دهد و می‌تواند در میان این حجم وسیع آثاری که در این یکی دو دهه منتشر شده؛ اثر خوب و خیلی خوبی را هم مثال بزند. تعداد افراد کمی در جامعه ما با شناخت از این مسایل حرف می‌زنند. کلمه کلیدی این ماجرا هم دوباره همان پیش‌فرض‌ها و پیش‌فرض‌هایست یعنی قضاوت‌اینکه این ادبیات خواندن ندارد و این پیش‌فرض که مشخص است از خود ما می‌آید و ما را با دنیا و انسان بدون قصدی برای تخصصی جایگاه به نگاه مستقل در این جامعه وجود ندارد. در حالی که برای نزدیک شدن به اخلاق انسانی و نگاه انسانی به جهان و به همدیگر لازم است که این نگاه مستقل تبلیغ شود و آدم‌ها با آن آشنا شوند.»

به چه عنوانی می‌شناسند و مقدر با فرهنگ آنها آشنا هستند»

این نویسنده اضافه کرد: «خاتمی آلمانی چندوقت پیش به ایران آمده بود که اتفاقاً خیلی هم درباره کشور ما مطالعه کرده بود ولی می‌گفت تصویری که از ایران برام ساخته شد از همان فرودگاه امام خمینی تا موزه‌های معاصر از تمام چیزهایی که شنیده بودم و خوانده بودم، بیشتر و بهتر بود. یعنی یک خارجی وقتی وارد جامعه ما می‌شود و با آدم‌های واقعی روبرو می‌شود و به نظرش می‌رسد هر چه خوانده و شنیده انگار درباره یک جامعه دیگر بوده است. فکر می‌کنم فقط ترجمه آن‌هم تر ترجمه لغت به لغت داستان‌ها و متون نیست. ترجمه یعنی شناخت زمینه‌های فرهنگی و اجتماعی یک کشور. متأسفانه در این حوزه شناخت بدی از کشور ما در جهان اتفاق افتاده و هنرمندان و نویسندگان ایرانی هم که در جهان جایزه گرفتند بیشتر وقت‌ها روی همین مسایل بولد و سیاسی کار کرده‌اند و بیشتر روی چیزهایی مابور دادند که مردم دنیا دوست داشتند بشنوند و داستان و فیلمی نوشته و ساخت‌اند که به تصور مردم ایران شبیه باشد. بیشتر روی نگاه توریستی خارجی‌ها کار شده به عنوان سرزمینی با ویژگی‌های مشخص که خارجی‌ها انتظارش را دارند»

او البته شناخت جهان از جامعه ایرانی را لازمه ارتباط برقرار کردن مخاطب خارجی با داستان ایرانی دانست و متذکر شد: وقتی ادبیات و سینمای ما قابل شناساندن به جهان است که

جهانیان اول ما را بشناسند ولی در حال حاضر جهان تصویر خیلی غلط و آشفته‌ای از جامعه ما دارد. به همین دلیل با داستان ایرانی هم ارتباط برقرار نمی‌کنند چون فرهنگ ما را نمی‌شناسند. چرا فکر می‌کنیم ادبیات انگلیسی و آمریکا و فرانسه با فرهنگ ما بیگانه است؟ چون درباره تاریخ و فرهنگ و اتفاقات جامعه آنها می‌دانیم یعنی ما جامعه آنها

را می‌شناسیم و فکر می‌کنیم ادبیات‌شان برای ما قابل ترجمه است و مثلاً وقتی در رمانی یک اصطلاحی را مطرح می‌کنند ما باها و بارها با آن اصطلاح به واسطه‌های مختلف برخورد داشته‌ایم. برای ریمان‌ها شناخت و حرف‌شان را می‌فهمیم اما ما چنان تصویر اندک و معشوشی از خودمان به جهان ارائه دادیم که زبان و ادبیات‌مان برای ارتباط برقرار کردن با یک خارجی الکن به نظر برسد. نیاز به یک رابطه دوطرفه، شناخت بیشتر و آغوش باترت داریم. مخصوصاً در این زمینه که دیدگاه جهان به انسان چندفرهنگی و چندزبانی شده است و دیگر در انحصار جهان اول نیست و کم‌کم به جهان‌های کمتر توسعه‌یافته هم تگاهی می‌شود. این دوران فرصتی است که جامعه‌های مثل ایران هم خودش را در جهان شناساند. منتها باید زمینه‌های لازم فراهم شود. نه اینکه هرچه جهان به سمت برداشتن مرزها پیش می‌رود ما در مرزهای خودمان هم محدود و محدودتر می‌شویم. چگونه وقتی پشت‌مان را به دنیا کردیم انتظار داریم فهمیده شویم. احمدی تصریح کرد: «ساله بومی بودن داستان‌های ما نیست، چرا ادبیات آمریکای لاتین که آن هم نگاه بومی و سنتی برنگی دارد می‌تواند ترجمه شود با ادبیات ترکیه و عرب جهانی می‌شود. شناساندن یک جامعه با یک اثر و دو اثر محقق نمی‌شود و باید مجموعه‌ای از آثار متنوع و چندصدایی را ترجمه کنیم تا فرهنگ‌مان در جهان فهمیده شود. مثلاً در نمایشگاه آلمان از ادبیات ترکیه ۵۰۰ اثر ترجمه عرضه می‌شد و از ادبیات ما ۱۰ اثر که تازه همین‌ها هم گزیده شده بودند. یا ۵۰۰ اثر فارغ از کیفیت تصویری از آن جامعه ارائه می‌شود ولی با ۱۰ اثر گزینش شده‌ایان اتفاق نمی‌افتد یعنی مجرای این نیست که ادبیات ما تنها تصورشان از ما به واسطه اخبار سیاسی و اتصال‌مان به منطقه آشوب‌زده و پرخطر خاورمیانه است. یعنی ما در دنیا تنها با چند کلمه کلیدی شناخته می‌شویم که شاید ما را از سواریه و عراق و افغانستان چندان هم قابل تفکیک نمی‌کنند. این موارد است که نشان می‌دهد یک ملت را چگونه و

کلهر اخیراً همکاری‌هایی را با مجموعه «امبرانت تریو» داشتند.» این خواننده موسیقی ایرانی با اشاره به ویژگی‌های این اجراهای زنده که در قالب فستیوال «اورینتال لند اسکپی - چشم‌انداز‌های شرقی» برگزار می‌شود، توضیح داد: «هر سه گروه تجربه‌های بسیار زیادی با خوانندگان مختلف کشورهای دیگر داشته‌اند و این برای اولین بار است که یک خواننده ایرانی با آنها پروژه مشترکی را اجرا و با آواز اصیل ایرانی هم‌نشین می‌شوند.» معتمدی درباره تاریخ برگزاری کنسرت‌ها نیز اظهار کرد: «این کنسرت‌ها روز جمعه ۲۵ خرداد ماه در آمستردام، روز ۲۶ خرداد در شهر آسن، روز پنجشنبه ۳۱ خرداد در شهر دنهاخ و روز شنبه اول تیر در شهر اوترخت میزبان علاقه‌مندان موسیقی خواهند بود.»

معتمدی با ۳ گروه اروپایی کنسرت می‌دهد



خواننده موسیقی ایرانی اواخر خردادماه سال ۹۷ به همراهی سه گروه معتبر اروپایی مجموعه کنسرت‌هایی را در کشور هلند برگزار می‌کند. محمد معتمدی در گفت‌وگو با مهر گفت: «دور تازه فعالیت‌های بین‌المللی خود را در قالب یک پروژه جدید موسیقایی اواخر خردادماه سال جاری در کشور هلند آغاز می‌کنم و طبق تقویم کاری که برای این پروژه در نظر گرفته شده با سه گروه معتبر اروپایی میزبان علاقه‌مندان موسیقی در قالب سه برنامه مجزا خواهیم بود.» او ادامه داد: «در راستای پروژه‌های که برای برگزاری کنسرت‌های جدیدم تعریف شده من با کوئینتت سازهای بادی «کلفکس»، کوارتت سازهای زهی «مَنگکی» و «امبرانت تریو» اجراهایی را در مقام خواننده خواهم داشت. هر سه این گروه‌ها از مجموعه‌های بسیار معتبر موسیقی در رویدادهای جهانی هستند و استادان حسین علیزاده و کیهان